

# حکمت متعالیه سینوی؛ گذار ابن سینا از مشاء به متعالیه

مصطفی مؤمنی\*

## چکیده

هر چند ابن سینا را فیلسوفی مشائی و «رئیس فلاسفه مشائی» در عالم اسلامی شناسانده‌اند ولی آیا چنین خوانشی از تفکر وی مقرون به صواب تام است؟ صحیح است که آثار مفصل وی بر طریقه مشائی نگاشته شده است، ولی آیا نمیتوان در همان آثار نشانه‌هایی از عبور و گذار شیخ از تفکر مشائی محض نمایان ساخت؟ ابن سینا نه فیلسوفی مشائی باقی مانده و نه بر سیره مشائین تا به آخر حیات خویش مشی نموده است. وی با بیان اصطلاح «حکمت متعالیه» و ارجاع طالبان درک حقایق برای فهم دقیق حقایق به آن، هویت خویش را سامانی تام بخشید که این حکمت در تفکر صدرایی به اوج خود رسید. نگارنده در پی تبیین دیدگاه «تعالی تفکر سینوی» است که در آن به ردیابی و ریشه‌یابی مبانی حکمت متعالیه ملاصدرا در تفکر ابن سینا پرداخته میشود و این اصول را در آثار و عبارات شیخ نمایان می‌سازد؛ هرچند مشغله سیاسی و عمر کوتاه شیخ، مجال برهم‌نهستی نو از این اصول را به وی نداد، ولی زمینه را برای تحقق چنین نظامی در تفکر پسینیان خود هموار ساخت.

۵۷

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور؛ momenim@nums.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۸



کلیدواژه‌ها: تفکر سینوی، حکمت متعالیه، اصالت وجود، حرکت جوهری،

تشکیک وجود

\* \* \*

### مقدمه

حکمت متعالیه برهم‌نهشتی از اصول فلسفی است که بعنوان یک نظام اول بار توسط ملاصدراى شیرازی پایه‌گذاری شد. این نظام بر اصولی چون اصالت وجود و وحدت حقیقت وجود، تشکیک در حقیقت وجود و... بنا نهاده شده است و ملاصدرا بر اساس این مبانی توانست ثمرات دیگری چون حرکت جوهری، تجرد خیال و... را نیز بدست آورد و با کمک این ثمرات، بسیاری از مشکلات و عویصات مطروحه در فلسفه را حل نماید. از جمله مهمترین این مشکلات بحث ربط متغیر به ثابت و معاد جسمانی است. او بر اساس اصالت وجود، حرکت جوهری و تجرد خیال توانست مشکل تبیین معاد جسمانی را برطرف نماید. در اینجا در پی برشمردن همه اصول، ثمرات و توفیقاتی که در حکمت متعالیه بر اساس این مبانی حاصل شده است، نیستیم، بلکه میخواهیم ذهن را به این مطلب معطوف داریم که آیا براستی اصول حکمت متعالیه صدایی تنها و تنها در حکمت متعالیه وی وجود دارد و ملاصدرا خود مبتکر این اصول بوده است؟ البته که پاسخ منفی است؛ چرا که اکثر این اصول قبل از وی در مباحث عرفا و فلاسفه قبلی وجود داشته و براحتی قابل ردیابی است. حتی این اصول را میتوان در اندیشه ابن‌سینا نیز به راحتی پیگیری نمود. در این نوشتار بدنبال تبیین این مسئله هستیم که ریشه‌های حکمت متعالیه در اندیشه سینوی وجود داشته و بلکه او برای اولین بار واژه «حکمت متعالیه» را بعنوان یک نظام فلسفی غیر از نظام فلسفی مشائی مطرح نموده است. وی هر چند به توسعه فلسفه مشائیان پرداخته ولی خود مشائی نمانده و در اندیشه

۵۸



سال نهم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۸